

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

تفصیلی
نامه

کوشان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۹۰

۲شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

انتخاب نخست وزیر

بیانیه شماره ۱۰

در این مکتب بیانه شماره ۱۰ حزب عدالت همه گردستان
بدلت روزنامه رسیده.

مطلب این بیانه چایی از طرفی باعث غرورتنی و امیدواری
بود و از طرفی موجب تأسف و ناامیدی.

از خواندن این بیانه شخص شوهرت است برای اینکه
حس میکند هنوز در ستمد افکاس روغن نمکری هسته که حکومت
پست سال و رنج و فشار استبداد مفرهاشان را سلاهی نگسده
سرودی بر سرودی دارند و با وجود اینکه سر آزادی در آنجا
حکومت است از کسی پاک داشته باسادهای بلندفراهم میکند و
اعترافات خود را سرودی آوردن چایی فکر و مردم را به اصلاح و
مبارزه بر علیه مسبب بدبختی گردستانیان دعوت مینمایند.

از خواندن بیانه شخص متأسف میشود زیرا مرینه بر سر
شخص که نظام سکونگترین فایده ای برای مردم ندارد مناقات ای
پیاخته، همه ای بر علیه همه دیگر از هم فیرها مبارزه برداشته اند.
رئیس مالیات منتهج که تا بحال نقشه این خدمت مملودی انجام
داده باشه سرگ گردان همه بر سر سرخونی یا بی دوستی یا نادوستی
او، مخالفت هائی بین مردم ایجاد شده.

همه ای با هم درک و دلیل بار حله کرده اند. عدای بخواهش
و ثنا از او دفاع میکنند و در این که رودار بدبختی مردم همین
ادامه دارد.

نه بن که این سطور را مینگارم و از گردستان دورم، بلکه
خود شما که در یکدیگر و ناظر قطعا با من صحبت کرده. من معلوم
این مبارزه که حق یا باحق شروع شده حال مردم امید نیست بیانه
شخصی که از روی طبعه ایسان کار میکند مگر بیگانه که شتر را بیاورد
شما بر سر و پس مالیه نامم میناید که بیاید و از این جادله نطالی
وجود میآوردند. این طلاق دولتی باعث استفاده پشاکران خواهد
شد در همه جا.

اگر نمایندگان توانستند این اصل را قبول کنند که اول باید
صلوات و شکر نمودنی برای کاندیدای نخست وزیر در نظر گرفت و روی
ان اصل توافق نظر حاصل کردند میتوان رفت دنبال کسی که واجد
این شرایط باشد.

ولی آیا از این مجلس میتوان امید داشت که اس-ولا روی
این نظر یعنی بناید و با اگر اجابا بهتر هم شد ممکن است توافق
نظری حاصل شود و با اگر توافق نظر هم حاصل شد ممکن است
پدان حل کنند.

متأسفانه باید گفت غیر. مجلس گوشش این حرفها را نکارد
است و نه ما باید انتظار داشته باشیم این مجلس چنان فکری را
تکویت کند.

سر روش کاپیت آبه کلا روغن است همان طریق معلوم
پس از چند روز بلکه چند هفته مطلقا شخص را که ظاهر اثری
در مجلس دارد بنام هست وزیر بکار دعوت میکنند پس از تقابل
مدتی دوباره با داد و فریاد عذرش را خواهند خواست.
تا قرعه این دفعه بنام چه شخص اسبابه کند!

دولت ملت سقوط کرد و جبران دیگری
نیچود آمد.

تسلیمت مجلسیان مجدداً آشکارا
گفت.

برای باطله سقوط درخت غطس این
جبران را ارتو کرده بودند.

باز هم موضوع نمایان ترا کسب نهایی
مجلس پیش آمده.

کامیابی های متعدد سر از هر چه مملودی
فراموش شده، چون کینه نه پاران و اینکه
ظاہرند تا از این خوان گرفته شده
بهرای گه نه.

حق انومبها ای سارنگ سلولهای
منز عدای را چست و خبر در آورد،
بازار زد و پنه روشی از سر گرفت.

اساسی چندی باز ورد زبانها شده،
گنجگار مردم بشناسانی نصبت و بر چه
قبل از ان تصاب بیشتر شده، اخبار مجلس
گرا بپا رگفته.

حکله این است با وجود اینکه
سقوط کاپیت برای ما امری حادی شده و

اگر کابینه ای چند سیاسی دوام باید باعث
تسلیت ماست، باز از احساسات خود دست
برنداریم و باز ما وجود تمام انعامانی
که تا بحال مجلس داده، بی
شمال واهی، بدویم و گمان میکنیم این
دفعه واقعا حق اقدر خواهد شد، روش
مجلسیان تغییر خواهد کرد و دیر الوردانی
فیر از تبب عامانی که تا بحال آمده اند
بر سر کار خواهد آمد.

بغیر این که اگر مصلحتی نوقت شود
مکن است، و تروانگ کرده خود را دلخوش
میکنیم و مینویسیم، ولی اجاست آن گوش
فتوا و کجاست آن اثری که منافع
عمومی را بر طبق شخص ترجیح داده دیال
صرف حساب برود!

مجلسی ما از انجمنی اصلاح طلبان اکثریتی
که چه منافع شخصی چیزی توجه ندارند

ان است بطور خلاصه چر این انتخاب
و زمانه داری بلک هست وزیر آ طوریک
تا حال مرسوم بوده و نشانه ای هم در دست
نیست که برای انطباق هست وزیر جدید
روشی فیر از این معلوم شود
تاسوقی که و آلا، از سر شیطان با این
نیاید و تا موقعیکه نظری بصالح کشور
نیامکنند و تا موقعی که منافع عمومی را بر
منافع شخصی ترجیح ندهند هر چه بگویند
بی اثر است و هر چه بگویند زائل است
باز هم باید شخصها به نام هست وزیر
مورد حله این و آن قرار دهد و آخر هم
بانتضاح برود.
تاسوقی که همین نشود برای نصبت
وزیر بودن چه صلتی لازم است و تا
موقعیکه دعوا بر سر شخص باشد میتوان
امید داشت اکثریتی با دوام وجود آبه
که بتواند از آنچه پشتیبانی کند

در مجلس شورای ملی

۲۸ فروردین

در این روز چون پیش بینی میدک تکلیف دولت معین گردد همه زبانی در پایگاه نمایندگان و نمایندگان مطبوعات و از راه دیگر مجلس فرار گرفته بودند.

پس از اینکه گزارش انتهای کدیسونها با اطلاع مجلس رسید آقای نخست وزیر طغی ایراد نموده گفتند:

چندی است از ناحیه بعضی اشخاص یعنی اشخاص مبتدی نسبت با اثریت دولت مطالبی اظهار و صحبت‌هایی که اغلب آنها را با بی‌تفاوتی‌های مخصوصی درباره‌ی اجراء متکسر نموده اند برای من که

باسول و قوانین و آیین نامه مجلس شورای ملی آشنا هستم بی جای محسوب بود که در مجلس هیچوجه از طرق قانونی که

سوال و استیضاح است اقدامی نکرده ولی در خارج این تبلیغات را که انتشار آن

در ولایات جو تحریف دولت مرکزی و هرج و مرج نتیجه دیگری نبراهه داشت

نموده‌اند سایر این بدوا به‌الفین گوشزد نموده که اگر عدم رضایتی است از طرق قانونی وارد تا دولت هم در مجلس شورای

ملی حاضر شده پس از طرح مطلب تکلیف دولت بوسیله تضاد مجلس معین شود

سازمان بازم تا بری نکرد و بر سلات بعضی روزنامه‌ها افزوده شد.

مجموعه که برای خانه دادن باین اوضاع به مجلس شورای ملی آمده و از مخالفین خود در مقام استیضاح یعنی تقاضای توضیح

برآید.

دولت من در آغاز کار سواچه شد

باموضوع اختیارات اقتصادی دکتر پیلو تکلیف این امر که چندین ماه وقت دولت

های سابق را بی‌عجه گرفته و مورد علاقه

اثریت مجلس بود میبایست معلوم بود چندی که دولت را این باب بهرج داداز طریقی و از طرف دیگر بوسیله تشکیل کابینه که از ابعاد اختلاف هجری حاصل شده بود سبب شد که از همان روزهای نخست پیش از واصلین اولیه از من روی گردان شده.

در قبایل این موفقی که بحسب دولت شده بود انتظار میرفت آقایانی که در

ارز موافقت نکرده میگردند تشریحیده داده در صورت موافقت در آید و پشتیبان دولت اقدامات او واقع خود

این انتظار متأسفانه پیروید بود زیرا آن آقایان نه تنها روی موافقتی نشان

ندادند بلکه بر مخالفت خود افزودند و از آنچه موجب تسری بود بفرز گذار

نکردند.

سپس بهرح اقداماتی که دولت در طول زمانه‌ی ابقان پس از آورده بود

پرداخت و در پایان گفتند:

«من انتظار دارم باین که در این مدت کوتاه با وجود همه کار شکنی‌ها بازاری

مکوران خود را این مشکلات فاین آمده و از اقدامات خود نتایج نیکو بدست آورده

ایم. مخصوصاً خود و وقت کم که در این موقع سیاست خارجی ما روشن است و با همه

مسایگان و منافقین بدون استثناء حسن تعامل کامل برقرار میباشند و اگر کسی

خلاف این را گفته باشد روی اغراض شخصی و برای شوب ساختن از راه وسوسه استفاده بوده است.

پس از ختم بیانات آقای نخست وزیر آقایان دققی و دکتر مصفق و بیبهانی

اظهاری نمودند و الاخره بیفاد آقای دققی مبنی بر گرفتن رأی اعتماد تصویب

گردید.

چون تعداد موافقت دولت کمتر از

آقای سرگرد مصیر از طرف ستاد ارتش ماموریتی حکم در ستان اهدام شده اگر چه اطلاع کاملی از نوع امور ستادشان نداریم ولی گویا برای بار دوم رسیده‌اند می‌توانیم ایشان در این ماموریت موفق شوند نکته تازه‌ی را که ما در شماره قبل بدان اشاره کردیم برای ستاد ارتش روشن کند و خواننده انقلابی نظر کرده‌اند که بنام اشتقاق افکار عمومی مخصوصاً مردم سلوا بخواهند است بکاهند و موفق شوند آنچه را حقیقت است بدون ملاحظه با اطلاع ستاد ارتش برسانند.

تصلاً علاوه بر آن که در این جلسه که لازم دوام دولت بود حاصل شد آقای نخست وزیر و وزراء طایر جلسه و ارتش و مجلس هم شتم شد.

جلسه پنجمین فروردین
در این جلسه لایحه دو دوازدهم مطرح و تصویب شد.

اخبار کشور

تقدیم استعفا و صدور دستور
عصر سه شنبه ۲۸ آفری بیات دو کاخ سلطنتی حضوراً به خدمت عدالت شاهنشاهی فریاد شده و استعفا دولت را حضور ملوکانه تقدیم نموده پس احد حضرت عالی با آقای اشرفی ساون نخست وزیر اوامر لازم صادر کردند که تا مابین دولت جدید مامور موسطه رسد کمی نایبته وزیر اوامر ملوکانه بوسیله آقای اشرفی صادر گردد و مامورین وزارتخانه‌ها تا تشکیل دولت جدید بکارهای جاری وزارت خانه‌ها رسیدگی و مراقبت نمایند.

آقای رئیس مجلس در حضور ملوکانه
ساعت ۵ بعد از ظهر سه شنبه ۲۸ آقای رئیس مجلس از طرف اعلیحضرت هایولی احضار و پس از مذاکره در اطراف جریان استعفا و سقوط دولت اعلیحضرت هایولی تاویل مجلس را نسبت بنخست وزیر آینده بوسیله آقای رئیس عنوان کرده و ناگه فرمودند که منتهی است مجلس هر چه زود تر تشکیل خود را بنخست وزیر جدید ابراز دارد تا در تشکیل دولت جدید تسریع شود.

گاندیدهای نخست وزیری
در این گاندیدهای نخست وزیری پیش از همه آقایان منصور و مستشار الدوله و بعد از آن ساعدت‌تری دارند.

ورود هیئت اعزامی نواشنگن
ساعت ۸ صبح روز ۲۶ فروردین بازده نفر نایبندگان اعزامی ابراز و اعضای وابسته آنها در کنفرانس سازمان بجه در صفحه ۳

ترجمه و نگارش: آقای منصور شاهنواز

مزاره دزدان

۴۳

فصل اول

هیخانه کالابر

هرارای از غم و غضب در چشمان جوان ایتالیایی هویدا گشته ولی بروی خاموش گردید.

اما این تغییر حال از نظر خانم کلو لاند که از هر چه او را می‌فکرست دور نماند. سپس رو بر طرف کرده گفت: فرزند عزیزم، خوب است که روی مواظب خودتان باشید. ایتالیایی‌ها مردمانی بسیار زودرنج و ابر کینه سکن

هسته و چنانکه در میان خودشان ضرب‌النس است «می‌گویند مسواکه دهفته در زیر پای خود پنهان دارند»

لیکن هر اس که در آن لحظه بسیار بی‌حوصله بود جوانی نمانده و بدون اینکه باورش در او رفتن گناه کند چند بسته از کالنگ برداشته

بجانب مسافرخانه روان شد در همین لحظه صاحب مسافرخانه در برابر او ظاهر گشت. ایندهس

دارای شامی کونله نژوده. و نایبنا بود سهیای نامطبوع و زشتی در میان لباس‌های کثیف و چرمی که بر تن داشت منظره‌ای بی‌س گرامه

انگیز بار بلهشده بود چنانکه هر کسی را از رفتن به مسافرخانه اش منجز میگرد.

صاحب مسافرخانه با صدای بلندی فریاد کرد که ای ابله! دختر جوانی از داخل صارت بیرون آمده جیب او خنافت. این دختر همان لیلکولی در برداشت، به گردن طلا دوخته و پاکجنت گوهواره در گوش‌هایش دیده میشد. پاهایش نیز فروتن بودند.

دختر جوان مسالین را در اطاق منبری داخل کرد اطالی بود کوچک و لنگ و ایشاء T با سینه‌ی فرسی در اطراف پراکنده بود

در به گوشه اطاق کپسه‌های گنبد و در گوشه دیگر دسته‌های متعدد گنم و جو قرار داشته و از این هر دو سوی نامطبوعی برمی‌خواست

در به طرف نیز پله‌های گرم ابرهیم ریخته شده بود و آنجا نیز از بوی دو دیگر بی‌بهره نبوده پاک میز پرورده از حصر و کاه و کافله

های پاره چندصدنی شراب و گنبد اینها اتان اطاق را تشکیل میدادند لپدا فوراً شروع به پاک کردن روی میز نموده. هر اس از خادمه

پرسید آیا اطاق‌های دیگری ندارید که بنا بدیده؟

دختر جوان در حالیکه سر را پیش رو برمی‌تکان میداد گت آ. شهر این اطاق از همه این اطالهای ماست.

— بسیار خوب لئلا غذا چه حاضر دارید؟ خانم کلو لاند غیبتی کم ایتالیایی می‌داشت بدین جهت تمام کارهای سفر را به پسرش وا گذاشته بود.

— حضرت آقا ماکارونی حاضر داریم.

— بسیار خوب آرا بیارید اما دیگر چه؟

لپدا بعد از این سوال بوحسب انتقامش کراهت سر را جیب دیگر برداشته مثل اینکه میخواست از دهان کپسه‌های کینه با پله‌های گرم ابرهیم

اخبار کشور

بهاره اصفه ۲

پن لیلی ملل مطلق گوروز = ارد بهشت
دو ساله اسبکو تشکیل میشود مرکب
از آقایان کاظمی دکتر سپاسی انتظام
صالح دکتر علی سرلشکر رهاشی سرمنه
مناصی ایل اردشیر دکتر صورتگر معنی
گودرزی اطرهران طرف لاه - پرواز
شده که از راه کارابلانکا بواگتن
شود.

بفرار نگرانی که از واگتن
رسیده بازده افراضای هشت اهرامی مصر
روز ۲۸ فروردین بواگتن وارد شده اند
واگون در آن شهر پسر میرنده و چون
فارسه پن و لغتکن و ساغر اسپکو نیز
زیاد میانه هیت از راهی پس از یکی دو
روز استراحت از آنجا بساغر اسپکو
پرواز خوانده بود تا روز ۵ اردیبهشت
دو کتراس سازمان پن لیلی ملل مطلق
هرکت نمایند.

رئیس اقتصادی اصفهان

آقای عبدالله کارگر از طرف هیئت
مدیره سازمان اقتصادی پست و ریاست
اداره اقتصادی اصفهان منصوب گردیده

ریاست اداره آثار کار

آقای فتح الله منشی بازاری فنی
وزارت بازرگانی و پیشه و هنر با حفظ
پست ریاست اداره آثار کار منصوب شده

معاونان اداره آموزش

آقای علی اکبر اصفهانی پست -
معاونت اداره آموزش وزارت کشاورزی
منصوب شده.

فرماندار فومنات

پیشرومنان بر حسن تصویب هیئت
وزارت تبدیل بشهرستان گردید و آقای
محمد اسان دوست بهمندهار آنجا به
فرمانداری فومنات منصوب و حکم رسمی
ایشان صادر گردید.

حرکت نمایندگان مجلس ایران

در کفرانس ساغر اسپکو و
چهار نفر روزنامه نگاران
با آمریکا

ساعت ۸ روز پنج شنبه سی ام -
فروردین آقایان دکتر دلفن دکتر جمده
دکتر احتیار نمایندگان مجلس که از طرف
مجلس شورای ملی برای حرکت در -
کفرانس ساغر اسپکو تعیین شده بود
با هواپیما سوی آمریکا حرکت کردند
تا بهایند گانی که قبلاً حرکت کرده اند
ملحق شوند چهار نفر روزنامه نگار -
ایرانی آقایان مجید موثر هانس مودوی
ایوا لاسم اینتر دکتر مصباح زاده که بنا
بدهد و با طرح دولت آمریکا و معرفی
هیئت وزیران برای مدت دو ماه برای باز -
دید آمریکا در حال جنگ و موسسات جنگی
و صنعتی و فر هنگی آن کشور به ایتجا -
مرت
دیگنده پاهان هواپیمای تهران را ترک
گردید.

انصابت وزارت جنگ

آقای سرمنه سید حسین عباسی به

فرماندهی تپ مورتور - تهران

آقای سرمنه احمد زور پور فرماندهی

تپ اردبیل

آقای سرمنه چلرازا کرس بفرمان -

دهی منگ لوزی.

پشتدار صومعه سرا

بر حسب تصمیم هیئت وزیران صومعه

سراو کسگر تبدیل به ششدهای شده و

بجوب حکم وزارت کشور آقای علی

غیرخواه بینه داری صومعه سرا و کسگر

منصب گردیده اند.

پازداشت

جلسه امرشاد رئیس بخش بازرگانی

ناحیه راه آهن تهران از طرف دادستان

دیوان کپرماتهام اخلاص زندهانی گردیده است

دوملیون ریال اخلاص

آقای سرمنه و غشور رئیس

کارپردازی سابق لشکر اول سانها

اخلاص دومیلیون ریال از طرف -
ادستان

ارتش بازداشت گردیده.

شرکت در جشن ۲۵ ساله

پشتا به هیئت دولت اتحاد جماهیر

شوروی ۱۵ نفر از آذربایجان ۴ املان

آقایان ملکه الشرا چهار - گل کلاب -

پیشرویی - سید مجیدی - و جمعی محل

۲۸ آوریل ۸ اردیبهشت برای حرکت

در جشن هائی که بنسایت پست و پیشه

سال تأسیس جمهوری آذربایجان برپا

خواهد شد بیادگوبه خواهند رفت

مسافرت در - - - - - روز خواهد بود.

اجاره ضرب مسکوک

هیئت وزیران صوبب نموده که

بانکنکی ایران متواله ۲۰۰ میلیون ریال

مسکوک نقره ضرب نماید.

مهاکمه المهران فراری

رئیس ستاد ارتش با اداره دادوسی

دستور داده است که المهران فراری

شهربور ماه را بحاکم دعوت نموده و

باجازت نماند ولی گویا وزارت داد -

گستری دوسرلی نماید گان خود به ادوسی

احمال میگند

در دیدن موجودی صندوق

تلگرافخانه

دیروز صبح موسی کوریلین وزارت

پست و تلگراف با اداره مراجعه میگند در

اطلاق قبول تلگرافات مشاهده میگند سر

صندوق دار را لای صندوق آمتین گذاشته

و سه اند و صندوق دار در حال مرتکبانه

است موسوی صندوق نیز سرعت رفت

است - در بان فورا بک صندوق دار

شکافه او را ارتکب جات نموده فوراً

رئیس اداره آگاهی و مامورین شهر بابی

باندق بازرشهای وزارت پست و تلگراف

در محل حاضر و موضوع را مورد دقت

قرار میدهند رسیدگی باین امر ادامه دارد
و صندوق دار که در حال مرتکب بود به
پستستان فرستاده شده و قفس تحت
نظارت است. موجودی صندوق گریه اش
هر از تو مان بوده است

بم آقای دکتر پرسی برهمنی

پداشت کردک هنگام تولد

و تشکله نوزاد انسان از رحم مادر جدا شده و قدم دو دهنای
جدید میگذازد و پنجاه موجود نانی و ناتامی است که از داهتن
و ساهل مداله و مبارزه در مقابل تمدات طبیعت محروم میباشد بطوری
که میتوان گفت که دوششده اول زاده گی طفل نوزاد پیمان زندگی
چنینی خود ادامه میدهد و بتدریج مبارهان شده و اصحاب و تنفس
و ترشح خود را برای اارا بودن پیک زندگی مستقل و مشخص تشکیل
و تجهیز مینماید.

پس در همین فاش راه تقویت است که وظعاً مادر نوزاد با -
حلی درجه اهمیت در سه پنی مادر حاصل شود که کودک خود را در پناه
رحم جای داده و با خون خود او را تغذیه نموده است پس از تولد
بیز با بستنی و پرا در آغوش نسبت خوبش پروراند و عروسش خون با شیر
روان بخش خود بتغذیه او همت گمارد.

امروز میخوانیم راجع به در دهنن کردک و خطرناک که هنگام
تولد در اطراف کردک تکدی بسته و مراقبه ممکن است زندگی
او را بخطر بیاندازد گفتگودانیم و آها مبارزه از سر ها و میگرد
که هر ماهی برای حفظ جبه خود از تنهی آنها لازم است منظور
زیرین را بدقت مورد توجه قرار دهه.

۱ - سرما - چنین در رحم مادر در محیطی قرار دارد که
درجه حرارت آن ۳۷ میباشد و تکیه بدیا بیاید ناچار مواه با -
محیطی میشود که درجه گرمای آن در حدود ۲۰ بوده و در نتیجه این
املاط ناگهانی تاثر بزرگی در جسم نوزاد خواهد نمود - بدیه
چوت در ساق که بجو را بعضی بدیا آمتن ششتمی میداند و عوارض
سرخا خورده گی بسبب تولد میشد اینست که دروازشگاه هار سوم
شده است تا موقتیکه بند ناف سقوط نموده است آب تنی کودک
میادوت نیورژنه و فقط حکم نوا - پوست بدن نوزاد را با روغن
تیر نموده و دورهای بعد هر ساعت از بدن را بدهاز دیگری شسته
و بتدریج آرا میخوانند.

ملاحظه این احتیاطات برای این است که چون سطح بدن
کردک نسبت بوزن او بر مراتب از سطح بدن شخص بالغ بیشتر می -
باشد تقاض حرارت نیز بیشتر بوده و در نتیجه بدن طفل خیلی
زود سرد میشود.

و باز از روی همت نظر است که دو صورت کانی بودن حرارت
خواهیگه و مخصوصاً در صورتیکه کردک تل از موده بدیا آمده باشد
(یعنی نارس باشد) لازم است بک با دو کیسه آب گرم دو خواهیگه او
قرار دهند تا حرارت مناسبی در اطراف جسم اطمین ایجاد گردد
۲ - مهرب - این موجودی نباید کوچک که حفظ با -
میکرسکوپ بوجود آن میزاد بیورد موله و سبب التهاب بیماری
های انسان است - درجه جا بطور و نور بیضا میشود در آب دو
خاک درها غلاص در محیطی که موجود زنده حیوان با گیله هست
میکرب نیز وجود دارد.

اما انتقال میکرب بکردک بیشتر توسط اشعاعی که میده دار
پرستاری وی هسته و با فربک او میشود صورت میگردد - هنگام
تولد میکربها چندی طریق ممکن است وارد اعضای بدن نوزاد
شوند.

یکی از راه زخم ناف بدینجهت تا موقتیکه التام این زخم
باتام نرسیده است باید بنای انسان حیثیت آرا محفوظ داشت -
دیگر از راه پوست بدن که در دهنهای اول زنده گی لطافت مخصوصی
دارد بنابراین نباید بادستهای نیک بدن نوزاد را لمس نمود حتی
مادر از حسین چهره او باید خود داری نباید و از همه بیشتر آنکه
اشخاص ناخوش و بیمار با یکانی و گریب دار نباید به بستر طفل
نزدیک بشوند.

دهان نوزاد نیز بواسطه نازک بودن مخاط و سهولت ترک
خوردگی آن راه دیگری برای نفوذ میکرب با مینماید اینستکه
مادران از گداختن انگشت خود و با هبتی دیگر دهان کودک حتماً
باید اجتناب نمایند.

پلم آژان تهور منته ولیری

دانشجوی دانشکده حقوق

رفتار مامورین دولت در کردستان

حقایق امری که لا ینفیر خواننده کان نامه کراسی کوهستان میسر شد از اوضاع وقت بارداری و دروغ ناهنجار مامورین اهتزاز دولت با مردم کردهستان است. وضعیت اسفناک ارجمان نامطالوسا دولت اهاری در کردستان بر کسی پوشیده نیست بار بار شواهدی مشاهده و فراگیری مامورین دولت بوسیله ناروق است که در هیچ نقطه دیگری شاید نظیر آن دیده نشده باشد همه در فکر برگردن جیبهای خود بوده که چو پیکرین توپچی محال زار توده محلی ندارند.

ما هر بسیم خود بیست حال در زیر فشار متنگه حکومت استبدادی سر بر داریم بیست سال کلو های ما در زیر چنگالهای طالبان مامورین ناچوار در دستگاده کثالتوری شده شد. افراد خجور و حساس و آژانهای که نمیتوانستند در کردستان موفق با انجام غایب بزرگ و شایانی شوند بدینخانه گرفتار تبه و آژانگی چندین ساله گذشتند در خلال همین بیست سال فراوش نقدنی مامورین دولت نیز از قدرت مرگری تما آلیا که مسکن بود بر علیه جان و مال اهالی سوء استفاده کرد.

ما با کمال صراحت به مامورین الفسار کجبه دولت اعلام میکنیم که پیش از این حاضر بادا و وضعیت مسکن گذشتنی با هم ما نمیتوانیم پیش از این نظر هلیات خلاف قانون و رفتار ناهنجار و غیر قابل تحمل آنها با هم.

ناگفته نماند که در میان مامورین دولت بک اقلیت بنام معنی هر یک و صالح و غده تنگدار نیز پیدا میشود ولی مسلم است که با چند گل بیار نبود در مقاماتنه باید افراد کرد که این اقلیت بهار کوچک در مقابل سایر بنساکران موفق با جام هیچ نوع خدمت موثری نتواند گردید سرتیب موشنه انشاره مانده لشکر کردستان جای اینک اسلحه را از دست واخوان بگیرد میخواهد اسلحه را به دولت برای حفظ و حراست دعوات بنالکین داده و دارای جواز رسمی هستند حسب آوری کند. اینست خالی از حدی کللی خالوده هستی و اساس زندگی زارین ما او را در هر مرض تهدید حسی اهتزاز قرار میدهد این اقدام با وضعیت حسی کردستان هیچوجه موافق نبوده حوائف بسیار و غیر در هر خواهد داشت شاید فرمانده لشتر حسی میرند که زودی از مرکز احضار خواهد شد و میخواهد پس از مراجعت او اینت کردستان که با خون شهدائی نظیر سر لنگر

شهربانی سقز یا کانون فساد

چه بنویسم و چه بشکرم برده شعبه سپاه مسلح فساد خابن را گرفت تباهی و فساد در فضای منطقه سقز آخرین نقطه مرزی هجوار عراق حکمفرما ملت بیچاره و بدبخت سقز از جور و ستم سر بر رانستگار رئیس شهربانی و حال شهربانی برای دوره سابق افسوس بخورند سلب استراحت و امنیت از آنها شده این خمس سینه وقتدر با ۳۰ نفر از هندستان ناپاک خود که بدعا عمرانی و شرح هلیات شنیع آژان داده خواهد شد نوعی خون این ملت بیچاره را بتابون طریق مصلحه میکنند که واقعا ندانمین و شرم آوری چلو سقز، ملت و احساسات میهن پرستان آژان تشکیل داده اند.

این مردمان پر دبار نیز از ترس کلاه سازی او فقط خون دل میخورند زیرا دستگاره استبداد تیرانات و تهمیدات خالی از حقیقت و منطق را برای توسعه دامنه طم غلبات هلیات نامشروع اخاذی سوء استفاده طوری کار انداخته تا کسی ابراز مانسی الضمیر خود مینماید فوراً بشهربانی جاب تهمده و توبیخ و شکنجه میشود بدینوسیله احساسات و آزادی و امنیت و آسایش مشتی اهالی مصیبت دیده را دستخوش و فدای اعمال سوء نظر و کردار تبیح و نفع جونی خود قرار داده این جهراحت و اذیت از طرف آژانهای رانستگار و هندستان او بر قلوب ریش مستندان سقز که در هر پرورمانه هستی خود را از دست داده اند کم کم جمع و یکجمله بصورت اهریمن ناپاک می در آمده چنگال منحوس و ظلمت انگیز را برای انهدام پیکر کندگی این ملت بدبخت باز مینماید چون عیبات مستکرانه و مفسده جونی این شعبه بسیار است لذا فعلا با عرض این مختصر توجه اولیای امور را بدین فوری این شر وبانی فساد جلب انتصاب یک نفر پایور با وجه آن ولت پرور را حاشا داریم.

م. علانی سقزی

بشارت

افتتاح مطب

آقای دکتر محنه هاشم خان وکیل فارغ التحصیل ۱۳۲۱ دانشکده تهران که از جوانان فاضل و معتمد کردستان هستند پس از مراجعت از تبریز در منزل شخصی از مرضی پدرانی و اخیراً بنا به خواهش جمعی از دوستان و آژان مطب خود را در خیابان شاهپور جنب کوچه آزاد پور مفتوح و همداروز با کمال مهربانی و نظرفرینی که خاص مشارالیه است از مرضی پدرانی مینماید.

صالح کرد

شرعی باضای صالح کرد بدینتر روزنامه رسیده و تاخا شده بود هینا درج شود در مراسم خود از عدم پرداخت حقوق زانده ارمهای محلی که ردهای میباید را حفظ می کنند شکایت کرده است آقای صالح کرد مبتنی هم در جوف باکت برای درج لایحه خود گذاشته و با بیست شهری برای ما فرستاده بود لایحه است آقای صالح کرد و سایر آژانیاں مراجعه کنند گان بدانند که برای درج لوابح نامه کوهستان و پس در یافت لیدارد انقادات بجا، شکایات و پیشنهادات مفید با اندازه ای که صفحات روزنامه اجازه دهد برای آن درج خواهد شد بنا بر این از آقای صالح کرد تقاضا میشود کمی از روزهای هفت بین ساعت بازده و بکجه از ظهر به اداره روزنامه مراجعه فرموده و چه ارسال و هینا دریافت دارند.

لایحه ای را که فرستاده بودند چون خوانا نبود درج نشد لذا با مراجعه خود ایشان بدینتر روزنامه شکایتی را که دارند مسکن است در شماره های به چاپ نمانیم.

کرد و کردستان

پس از هزیمت امام حسن جانب همدان، همدان بن عمر را بوعبیده انصاری هم یا پنجهزار سوار عازم (شهرزور) میگرددند. شانسگاه از رود (سجوان) میگرددند و سر در برابر سیاه اکراد که برای دفاع حاضر شده اند عرض امداد مینمایند. در حمله اول ابو عبیده انصاری کشته میشود. در حمله دوم و سوم که سه روز جنگ دوام داشته.

در اورامان بوده با وجود گذشتن هشت قرن و نیم از شوکت رافندار اسلام باز هم او اند عقاید اسلامی را کاملاً یلدرند و از اصابع و تهیبات بی شهریار که از اکار مغان واجبه همدان آن منطقه بوده است منصف شوند. چنانچه حالاً هم در اورامان ضرب البتل است که اورامیها از پیش سلفین و دانشمندان خودشان پرسیده اند که (ترونی قدما با ما مارغو پیرشالباری) یعنی قرآن قدیم است یا معرفت پیرشالباری پیش سلفین جواب داده اند که (مارغونو پیرشالباری قدیم ترونی عزیزیکه کتاشبه دوری آوردنش) یعنی معرفت پیرشالباری قدیم است قرآن را در روز کتاشبه کور آورده است - مولا کتاشب احموس بوده یعنی چشمش مؤذن بوده است پانجهزار را کتاشبه کور گفته اند مضمناً لغت از تعلیمات و دلایلت او پیشتر سبب این اشتهار شده است.

گوشت چهواته پیرشالبار بو هوش چه گیاست زانای سبب باربو) یعنی گوشت بگفته پیرشالبار باغد و هوش بر ستاده دانای رمز گو باشد.

در حقیقه کتاب رمز گور بجای کلمه - گیاسته که یعنی فرستاده است کلمه هوش نوشته بوده یعنی روش دانای رمز گو و اهالی امروزه اورامان دانای رمز گو را کتابه از حضرت رسول میدانشند در صورتی که حضرت رسول رمز گو بوده و باسراحت لجه نبوت فرموده و تبلیغ احکام کرده است.

دانای رمز گو جارت از همان زردشت است که مشهور به دوغشور سبباری است. یعنی نبی رمز گو (در جوع بکتاب دیستان البدهاب صفحه دو)

کتاب معرفت نامبر در اورامان است و بر حسب وصیت خود پیرشالبار بدست بهکاء ندیده سراسر نصیحت و حکمت است که مقام فضل و معرفت پیرشالبار و اکاملاً نشان میدهد.

در یکی از بندهای آن کتاب نوشته (ودوبوه وارو وروه ورینه ورینه بر بو جوارسرنه) (گرگمی سیاره و هایش چرمینه گوشای میر بودوی برینه) : یعنی برکن میبارد برف خوره است رسن پاره شود چهارس پیده میکند

بک خزل کردی

«از کیفی»

او سلسله دامشک خنابوی بروه
 بر بیچ رشک غم بهم وحلفه کرد
 لولایه که له اولاره بام بلوه کتاشبه
 یا باحش خاوه بروی روز داراوه
 یادو که له چسته منته به ارشده سوتاره
 یا میری سه تاره که مانع له تاره
 دامی که له روی دانه خالت تناره
 ذاب - مراره - باغی اورو تهراره
 همی خلطم وت انه طالت انه آره
 بهام طارنه بهام آره حیاتم خلطاره
 دل تینه سوتاره به بی طالت وتاره
 ربکم همس آره که دچم ربم بر آره
 او لاله او جسامه شراره بی مساره
 بو کتاشبه آخر کتاشبه ایواوی لاله
 این کتاشبه را آقای ناصر آزادپور از سندس ارسال داشته اند

مرغ سیاه نقش سبده است. دیگچه سورخ شود دو در پیدا میکند. که مقصدش بنو کردی از سیاه بیگانه است و تعظیم (رحمت من) و صبر جز سه روزی و حفظ رطوبت از توتن بیگانه باز در بند دیگ میکند. (داران کبابانداران چه کزین برکن - کالی پیرکن کالی من برکن) که گاه به هیزان علی چه کزین برکن - روس چه در اس برکن چه کزین یعنی در خان چاندانده چه کزین در خان رینه و ز کتاشبه که در پیرک همدان و کتاشبه من بک اند. مرغ از تخم است و تخم از مرغ. روباه از روباه و گرگ از گرگ) - مقصدش همانا بودن نباتات است و ظهور آثار حیوانه در آنها که توتن برک میکنند. و بیان قلم و تامل از آنها. و توتن تغییر از پیری اوها که هر نوعی نوع خود را تولید میکند معلوم میشود که قدیم و عجیب دارای جنبه فلاحه بران بوده اند. که بشر آغاز کرده و هیچ نوعی متنبی وارد نمیشود (در جوع بکتاب دیستان البدهاب پیرشالبار).

موانع کتاب مذکور چنانکه از نامش هم پیداست شکن نیست که عجیب بوده چه پیرشالبار دریم است که مسلمان بوده است این نیز قهار در توتن خرابی که دیده و حضرت رسول در آن تواب اورا فرزند خطاب کرده اسم تودرا تبدیل بصطن کرد و خود را سید خوانده است که حالاً هم اهالی اورامان اورا سید مصطن میگویند این نیز شوار سینه ناصر هیچ عبادت گزاران بوده و با او روابط کتبی داشته است.

در حدود سال ۱۸۰۴ هجری این پیرشالبار کتاب معرفت را تشریح داده و پس از تفسیرهای آنرا که باقیات اسلامی اصطلاح داشته ترک کرده است و حالاً این نسخه نای در دست اورامیهاست از تفصل مذکور کاملاً روشن میشود که کرد ها آری از درست بوده اند و با فارس بسیار قرین آری هم تواد هستند و این است کار مارغ غنه است چیزی که باقی است مادر آن سعادت یکیم حدیث است که بداییم ریشه نسب کرد بکجا متنبی میشود آیا کرد مرادف ماد است یا چرو ماد است و یا بکس ماد جزو کرد است.

آقای سرهنگ شاداد در ماه آنگشت ۸ خرداد منظر خدمت محبت تهیه - قراوگ گفته اند.

لشکر اسلام بمال آمده کوه و دشت را از خون اکراد و کیز رفته و نصیبت را خراب و آتشکده ها را خاموش میسازند و زنان و دختران را اسیر و اموال و اتمام را بارت میبرند. و باقی مانده با آوردن ایوان امان میبایند - چند ابو عبیده در دامن کوهی که در کنار دشت شهرزور است دفن شد که حالاً نیز آن ناحیه را (باباعبیده) میگویند. عبدالله هر چند ماهی در آن نواحی توقف نموده تا در جای آتشکده ها مساجد و معابد اسلامی ساخته احکام اسلام را در آن منطقه استحکام میدهد. سپس عازم (یاره) شده آبارا هم قتل عام. و تمام زنان و دختران و اطفال نصیب لشکر اسلام میشود. در آنها سپه دار عرب (عبداله بن عمر) مسجد بزرگی بنا نموده.

یکی از پسران (سماذین جبل) را با همی از اعراب در آنجا میگذارد. پسر سماذ بسا اعراب ابو عبیده خود زنان و دختران مقولین را متصرف شده شروع توالت و تناسل مینمایند که حالا سنگه پاره و اطراف آن نسب خود را بمادین جبل و اعراب جزو جمع او انصاف میدهند.

عبداله بن عمر در قتل مدتی تمام نموده اگر کردستان را بجزئه تصرف در آورده همه جا آتشکده ها را منهدم نموده بجای آنها مساجد و معابد ساخته است و احکام اسلام را تبلیغ و تعلیم نموده است

هر چند اکراد دوره تخریب جنگ های جان شکار و مبارزه های اسل برانده از چهار شده اند. میندا همیشه در سرد بوده اند که همانا مدعی خود را در سن آتاب اسلامی حفظ کنند جنگهای زمان خلفای پیش عباسی نیز به جنگ مدعی بودند از جمله جنگهای شولوی که در سال (۳۰۷) - (۳۲۴) هجری در شمال کردستان واقع شدند همه جنگ مدعی بودند و برای منقذ مذهب بود. اهالی اورامان هر چند بر حسب ظاهر مسلمان شده بودند و نماز و روزه و آداب و ادب اسلامی را بجا می آوردند.

اما تا سال ۸۴۲ هجری شتابر همان کیش زردشتی باقی بوده چنانکه مکه می که مولا (کتاشب) علیه مشایخ مردوخ - شروع به تلمیم قرآن و تبلیغ عقاید اسلامی

تشر و قدرانی

اینجا با وجود حیدرآباد - مصلح زاده - حدود صدی - حدی - مصلحی - احد ذکر می - معاصرین سال اول دانشسرای تهران از قدامت و احسان طاعت فرمانی نماینده - محبوب القلوب خود (حبیب آقای اولی و المصمم صدر قاضی) نماینده - محترم و بیک اس مهاباد که در راه توسعه و بسط فرهنگ مهاباد فرموده اظهار قدر دانی و سپاسگزاری اوده مراتب تشکرات خاصه نمودرا بدین وسیله پیشگاه - محترم تقدیم مبادیم و در ضمن سپاسگزاری خود لازم دانست آقای محترم نماینده پاکدامن مهاباد را بهر طمان هنر و خودمیرایی با تمام معظم الریاء یکی از رجال برجسته درجه اول گرهستان بوده خدمات و فداکاری که بایشان و انبوی ارجمندشان (جناب ناشی - محمد) در راه آسایش آرایش اعالی شهر مهاباد انجام داده فراروش نشانی و محروم اعالی مهاباد را و همین منت و بزرگواری خودشان فرموده اند ما بوجود چنین نماینده لایق و کاردانی انتشار نموده امیدوارم که در نتیجه انرژی و فداکاری که صرفت ذات مقدس ایشان است در آتی روزی شهر مهاباد هم از دست فرهنگ ترقی قابل ملاحظه ای نموده عیا شود که لازمه اطلاق اگراد است حیوانان وطن دوست و باایستادگان خاک نموده سرخاسته وطن و صوبطان عزیز خود را از گردبند بختی برهانند

از طرف دانش آموزان مهابادی سال اول دانشسرای تهران

حیدرآباد - مصلح زاده

بیانیه شماره ۱۰

بچه از صفحه اول

بود این طوری بدست آمده که بگویند نه تنها در اطراف بلکه در شهر هم مردم دو پی آذوبینند . این کار شمارا از اصلاح کردستان فرسنگها دور میکند وقت شمارا میگیرد و تلف میکند ، آوای شمارا ضلوع بدل میسازد . آن بگمان و افتخار که مسکن است هر آن برای شما پادشاه پادشاه از میان بیرون . هر قدمی که هر دست بردارید ، بروی ان قبل مناقض دسته دیگر بر خلاف آن قدمی بر خواهه داشت اگر بگویند فلان کار خطاست بر روی اصل ولایت دسته دیگر بگوید صلاح است و این باعث میشود که هر امر صحیحی غلط جاوه داده شه . و هر غلطی را صحیح معرفی کنند .

اگر تفحص میبهرتیریس ماله بداست ، خلانکار است و نادوست ، قرآن و مدارک و دلایلی بدست آرید و سوچ همان پار سنه کنید . اگر در حین سنه دیدید هدهای از او طرفه اوری میکنند به آنها بپردازید بلکه همان هدف اولی را تبلیغ کنید زیرا اگر در ضمن مبارزه منحرف شوید به کنار سرکه برداختید شکار اولی از میان بدر خواهد رفت و نتیجه ای نماند خواهد گشت .

از روی راه تنها در باره رئیس ماله که مضر تشهر میبدهد ، کار بندگی که در باره ماورینی که موجب بدبختی شما هستند . هر دو به انتساب کنید (براهنده بیرون) و نیز فورم دست ماورین نادوست و منحرف را از سر مردم کوتاه کنیم - بازی از مشکلات مامل خواهد شد

از این شماره تک فروشی های شهرستان همدستیا از اداره روزنامه فرستاده میشود کاتبه مایل به تک فروشی باشند ممکن است کتباقفا نمایند

در گذشت هادروان و قرتلسان الحکما همس را بجوم یازماندگان مخصوصا آقای حسن ملک آراء فرمانده لر گرهستان و سرکار سرهنگ دکتر حسن تسلیم مسکوم .

فوت باو ملک الملانی را بجوم پورمانه لدی مخصوصا آقای حاج امیرالکتاب ملک الملانی تسلیم مسکوم .

آگهی حصر وراثت

بنا مع ۱۶۱۱۱۲۳۳ آقای احد انوری سوکالت از طرف آقای اباسلت (سلیبی) طبق تقاضا نامه شماره ۱۶۳۷ مورخ ۲۶-۹-۱۳۰۰ باستناد بکبرک گواهی نامه و رونوشت شناس نامه تقاضای گواهینامه حصر وراثت را نموده بدین توضیح که مرحوم حاجی علی فرزند حاجی آقا در تاریخ ۴ ۷ ۱۳۱۷ دو فرمای اشتهارد - بنگاه هیشگی خود فوت و حین فوت وراثت متوفی منحصرا بدو نفر هیال دائمی بنام بانو گوهر و بانو نور و بکنفر هیشگی راه بنام داود خیر از این سه نفر وراثت دیگری ندارد بعدا داود در تاریخ ۶ ۹ ۱۳۱۷ در قریه اشتهارد چابکاه هیشگی خود فوت و حین الفوت وراثت متوفی منحصرا بقش نفر سه بنام آقایان اباسلت (سلیبی) و حاجی محمد سلیبی و لطفعلی (سلیبی) و جوادالله (سلیبی) و ولی قه (سلیبی) و رضی قه (سلیبی) و دو نفر دمترو صوبیا بان و ان صلیبا (سلیبی) و ریاض (سلیبی) و بیک هیال دائمی بنام بانو سکیه غیر از این ۹ نفر وراثت دیگری ندارد لذا مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در مجله رسمی وراثت در گستره و روزنامه باطلاع برسانه که هر کس نسبت بتقاضای او ورهتر ضی دارد دوامت مرفوعه بدین والا پس از اخطار موعده گواهینامه صادر خواهد شد و نیز در صورتی که وصیت نامه از متوفی بد کسی موجود نباشد این تاریخ رسا بر او افتتاح نشود در همان مدت بعدا گناه تسلیم نماید و بعد از گذشتن مدت هر چه ورهتر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراهامه از درجه اعتبار سلب خواهد بود .

رئیس دادگاههای بخش تهران امامی اهری

ازمقرر کین محترم تقاضا میشود وجه آبرو ملن را از دفتر ارسال فرمایند.

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۰ ۱۲ ۱۳۲۴ بانو (هرا) ملک خاهی بنشاس نامه شماره ۶۶ ۲۴۰ باستناد بکبرک گواهی نامه و رونوشت شناس نامه نادخواست بشماره ۲۴ ۱۴ داده بانکه مرحوم قطر علی ملک محمد دارنده شناس نامه شماره ۷۱۸۷ در تاریخ ۱۵ ۱۲ ۱۳۲۳ در تهران چابکاه هیشگی خود وقت بانته و سنده به زوج و بانوان فاطمه بنشاس نامه شماره ۸۳ و هذرا شناسنامه ۱۵۴۲ دختران متوفی و وراثت منحصرش میباشد پس از شنیدن گوهر گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور دعوتنامه و روزنامه ها آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و بدون مترضی بر سر تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی در در طرف صفت مریب و ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز خود از درجه اعتبار سلب خواهد بود .

رئیس دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

نوبت اول

نامه ها و تلگرافات وارده

از سفندج
یکی از خوانندگان ما مینویسد
عزت فیه سنتج که یکی از آثار تاریخی
است و در سایه چهل وفاداری و طمانی
چند طری از مامورین سابق قسمت شده
آثار آن از میان رفته فعلا مورد آزمایش
دیگری واقع شده است بدین معنی که ۵۰۰ ای
سرباز با بیل و کلنگه مامور تخریب بنای
آن شده اند.
در واقع دهر بود و اینکه عده ای از آقای
منتقلین سنتج آمدند در روی این تپه پست
های دیده پای ساخته - ل که چشمت قریب
یغیاغان است لایه میخوانند این آثار را
بردارند و در هیروسلج را بروی و بران این
بنای تاریخی هم رسیده در آورند.
از کرمانشاه
آقای جعفر خدا داده ضمن اظهار
سرت از انتشار نامه کوهستان ما را با نامه
این خدمت اجتهامی تشویق نموده اند.
از همدان
آقای عبداللئی آیدری از انتشار
نامه کوهستان اظهار سرت نموده اند.
از کرمانشاه
آقای ابراهیم نادری مراسم ای مینی
راظهار خوشوقتی از انتشار نامه کوهستان
نوشته و مقال بسیار مفصلی از اغراض و اوضاع
کردستان و تمدنات مامورین و لزوم توجه
حکومت مامور بهداشتی و فرهنگی برای ما
فرستاده اند که متأسفانه پشت کسی - ما
توانستیم چاپ کنیم.
از سفندج
آقای باقر خالدی ضمن نامه مفصلی
از انتشار نامه کوهستان اظهار خوشوقتی
نموده اند.

در موقعیکه
صفحات نامه
کوهستان
پسته شده بود
تلگرافی از
گروس
رسید و در
آن عده ای
باعتراض
هائی نموده

بودند
با درج عین
تلگراف در
شماره بعد -
خوانندگان
را از چگونگی
آن مستحضر
خواهیم داشت

از تهران

دانش آموزان مهابادی دانشسرای
تهران هرجس مینی بر اظهار خوشوقتی از
انتشار نامه کوهستان بنا نوشته اند.

از سفندج

آقای محمد سبب پریانی ضمن مقاله
ای تحت عنوان « پیام باهالی محترم
کردستان » می نویسد :
مردم بانوجه بسواق تاریخی درخشان
باید در این مواقع تنگ در راه سپین از جان
ومال مضاعف ننوده در راه ایجاد عظمت
گشور بر علیه پشداگرانی که نام مامور
دولت را بر خود گذاشته اند جدا مبارزه
کنند.

اخبار سفر

۱- روز ۱۵ فروردین کسپون
رسیدگی بوضع مشاغل تشکیل شد.
۲- روز ۱۸ فروردین آقای سرهنک
صاری فرمانده تپ چیده پلزر وارد
شده اند.
۳- با وجود اینکه سال تحصیل تریب
با تمام است و امتحانات بزودی شروع
خواهد شد معینا تا کون کتابهای سال
اول و دوم دستاها بپلزر رسیده در صورتی
که پیش از ۴ ماه است بهاء کتب نامبرده
فرستاده شده است.
۴- است نمونه ای از اذنیامان
فرهنگی در پلزر خوب بود آقایان امام
جمعه و اسدی و دکتر سرکابل و شهید
چدینی در این باب میندل می داشته.
۵- با وجود اینکه مرتب نامه کوهستان
پلزر برای اشخاص فرستاده می شود شکایات
متعددی از رسیدن پستی شماره ها نشود
اند ما اطمینان داریم از طرف اداره

روزنامه پست مرکزی تصویر شمسه ولی
از وضیت اداره پست مرقاطلامی نداریم
بدین است اگر شکایت دیگری برسد
ناگردد بوسیله وزارت پست و تلگراف
قضیه را تفتیش و در صورتیکه تمهیدی در
پست خانه سفر شده باشد نظر اخص که
مرتکب این عمل شده باشد بدون تپه
نخواهد ماند.

از مشترکین سفر تقاضا می نمود هر
شماره ای از نامه کوهستان با نشان برسد
ما را مطلع فرمایند.

از سفندج

یکی از خوانندگان ما مینویسد :
فرهنگ کردستان را دیر زبانی انگلیسی
است و از این لحاظ محصلین در ساعه
انگلیسی ، با اینکه اکثر جای فرانسه
انگلیسی میخوانند ، از دبیرستان خارج
شده و بدینسانه معلم خصوصی و کلاس
درس اخذنمای هم وجود ندارد تا ایلا
مردم از آن استفاده کنند.

از تهران

آقای م. م. واجع بقصری که در شماره
۵ تحت عنوان « دست برداری سلطانه در
کرمانشاه » درج شده بود نامه ای نوشته
اظهار نموده اند که سرکار سرهنک هاجر خفاهی
فرمانده تپ کرمانشاه علاوه بر اسامیت
و آرامش منطقه شماری در حفظ امنیت
داخلی شهر هم جهت مخصوصی میندل
میدارند.

هموضوع دستگیری کبر اللهبیاری
مینویسد که این شخص که با اسلحه دولتی
مجهز و سرپرست محال اظهار غیارت است
در سر راههای شهر دست داشته و تمام رفایح
زیر سر او و آدمهای او بوده است

فدائی برایش حاضر خود بالاخره پس از لحظه ای ترهید گفت : است
بیز داریم .

- بسیار خوب باشد هر چه زودتر عجله کنید تا در من بسیار گرسنه
و گشته ام . لیدا برست از اطاق خارج شد .
هراس پنجره اطاق را باز کرد گفت : چه گرمای طاقت نرسائی است
در حقیقت هوا بسیار گرم بود ، هیچ نسبی در اطاق نلود نکرده ام
مهاجری از بیرون شنیده من شد ، خانم کلوانه از پرسش پرسید ، در بیرون
چه خبر است ؟
- مانند همیشه چیزی نیست ، مرد جوانی که ما در جین پیاده شدن
از کالسکه ، عامه کرده مشغول نواختن تانو است و هفت یا هشت نفر هم
دور و دور گرفته اند .

- همان جوانی که شازده ؟
- من او را ندانم ، شما خود دیدید که فقط او را از پیش راندم
اصلا این ایتالیایی ها اینقدر گستاخ و جسور هستند که همیشه باید آنها را
سر جای خود نگاهید .
- اما شما هیچ مواظب عملیات خود نیستید ، اینکار پس احتیاطی
بزرگی است ، سعی کنید بعد از این ملایم تر و مودب تر باشید . در این
لحظه صدائی شنیده شد ، مادام کلوانه خود را به پنجره رسانیده با پرسش
بیرون را تماشا کرد . نازدن در میان شنود گانی ایستاده بود ، فنلار میزی
با می نشینی در روی خانه هایش انداخته شده بود ، یک کلاه نسبی گذا
بر صورت گمگوش ساه میمالکند ، گاهگاهی چشمان ملایم و متفکرش
را بجانب آسمان بلند میکرد او ترانه (رنج محبوس) را میخواند فتنگی
آزادی و نظرتو از چارش را از اسارت و بندگی بصورت فیه های دلکش

با آوازی مطبوع و ملایم دو زیر آسمان صاف و بلی رنگ ایتالیا بکوش
شوند گانش می رسد .

فصل دوم

« يك شخصیت مشکوک »

در این لحظه دختر بانگونی از ماکارونی وارد اطاق شد . خانم
کلوانه از او پرسید این خواننده کیست ؟
- این شخص بکدر بدیده گواست . هر اس بانجیب پرسید
بدیده گوچیت ؟ خانم کلوانه با وجود داد بدیده گوگس است که
در یک لحظه بدون فکر و تأمل افساری سروده میخواند ، این نوع
تصنیف مخصوص ایتالیاست .
راستی چه خوب میخواند ، زبان سلیس در دهانش باسانی کلمات
را در نهایت خوبی ادا میکند . سپس رو بدختر کرده گفت : آباغیل
میکنید که این بانمگر خود ترانه « رنج محبوس » را ساخته باشد ؟
دختر جوان باخته بر مناساتی جواب داد بلی . رقابیل خوب میداند که
محبوس بچاره چگونگی در زندان فکر میکند .
هر اس بشدی و با صدای بلندی پرسید چطور آنها میخواند
بگویند که او خود در زندان بوده است ؟
لیدا هاه هارا بالا انداخته گفت : کی میداند شازده بوده است .
خانم کلوانه با لحنی که از اضطراب دوری او حکایت می
کرد گفت ، امیدوارم که برای جنابتی برندان لرنه باشد . لو
غشوت پرسخود را که در هنگام پیاده شدن نسبت به آن جوان ابراز
داخته بود به خاطر آورده با صدای ملایمی گفت : اما ایتالیا بسیار آرام و
نجیبی دارد

برای اطلاع آقایان لغات

و و کلاء داد گتری و دانشجوین حقوق

کتاب روش دادرسی که مجموعه مفصل و منظم نسبت به بروج کشور « از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۲۶ » است و با سهک بسیار مطبوعی بوسیله آدی غلبیل سیری تدوین و تالیف کرده و قسمتی از آن در روزنامه نجات ایران منتشر شده چاپ میرسد.

بهای هر جلد پیش از انتشار ۳۵ ریال و بعد از آن ۴۵ ریال است گسایک قابل بهره قبل از انتشار باخته میخواند به دفتر نامه گوهستان واقع در خیابان پهلوی کافی شماره ۱۵۲۴ و با پست مراجعه نمایند.

من بقا اطمینان دارم که هر چه باقی بماند در کوهستان او مه ارض زبانی و مورد است ولی ما اگر آنرا فعلا لغات نکرده ایم قطع بنا بخلق مصالح عالیله ک و راست و سفا فکرتان کوچکتر از این است که این مطالب را دور کنید دو سانه بقا توصیه میکنم بر شما تن بگوئید از شر شیطان پلین بپایند و دست از جان مردم بچهاره بردارند.

شما اقیانیه دیگری هم کرده اید شما خیال کرده اید وقتیکه بگویند سطر باید امام جمعه استعی و امضا های مطالب آنرا فوراً جسم کرد و غیر از اینها آدمی دوستو بیست من اگر از سطر در نامه کوهستان چیزهایی منویسم و سعی میکنم با همکاری دولت اوضاع خراب آنجا بلکه سرو صورتی بشد آذنی امام جمعه و دارو دست اش را که چه نا چیزی از منظره سطر و پناه هسته در نظر بگیرم و به تلگراف های شما که به ما مبارزه بکنند گویم به کار بست آنچه را صلاح جانیه کرد امام حل خواهم کرد و اعتراض های پیکنه شما در ن تاخیری نبراهه داشت.

آقای امام جمعه که از استیفاء از بطور حدس جزئی از دیگر امضا کنندگان من تر باشد، شما چرا الا اینه و شهادت نداشته که الا اسم آقا را که مدعی هستید باعث انقلاب و سر و پا نه هسته و من تحت تاثیر آنجا واقع شده ام بنویسید شما که ایتند شهادت نه اوبه بطور جرأت کرده اید این تلگراف را به سر و پا نه و امضا کنید بقیبا بقیبان شما غلبی شارا دله اری داده است.

بهر حال از این دعویه میکنم و دوستا با شما کنندگان و کسانی که چنین اها شده داده اند نامه کوهستان در راهی المیران ارض است مثل که بنویسید « ما کوهستان با کسی حب و بغضی نداریم بطور متوجه خود معروضه از مصالح اگر که دفاع کند اگر ما اوری خوب باشه نامه کوهستان بقتیان اوست و اگر بد است با او مبارزه میکنم حال این مأمور المیراست باجور است و بیست است مرسوم است برای ما لغاتی ندا د اگر خوب است تقویت میشود و اگر بد است باید خورد دودج خدا از شما کنندگان تلگراف فوق تا ما میکنم.

- ۱- اطلاعات خود را جمع براه جهت برای ما بنویسند
 - ۲- مطالب خوب سرحد با پندر و اساطع بدمند تا اگر و اتماً المیر شرفی است و مجموع اطلاعاتی که تا بحال بهارسیده ماری از سعیت است از او پشتیبانی کنیم
 - ۳- ما مورین خوب بود و سکار و المیران وطن برست آن ناحیه را با بدلیل و معرک سامرفی کند تا ما هم آنها را بسوم شاسانیم
 - ۴- هر یک از شما کنندگان فوق حویت و هصبت و پیشینه و کار لیلی خود را بنویسند تا خود ما و محررانندگان ارضی را که لازم است برای گفتار ما و اظهارات آنان قائل شویم
 - ۵- نام کسانی را که موجب انقلاب و اختلال امور هستند بنام بیاورند برای ما بنویسند.
 - ۶- در برادر ای روزنامه کوهستان داوید با مر لغتی را که خیال میکنید نامه کوهستان بر خلاف مصالح مونی ناسی ای که شما در آن زندگی میکنید برده اید بنویسید ما با لسان مهل موره توجه فرادیده ایم.
- حال اگر واقعا شما دوست بگوئید و خواهش خود اعالی سطر و پناه هسته بنویسید تا ما هم چاپ کنیم.

يك تلگراف دیگر از صفز

که ما هیچکس را بیخنامیم و با هیچکس حب و بغضی نداریم سطر کار ما آشنایان و هم وطنی باقیه اگر تلگرافی حکایت و پاسله بدیست اینجاب هم داشته باخته درج خواهیم شد این تلگراف را چاپ کردیم.

اگر خواننده گان گرامی بخاطر داشته باخته در شماره اول تلگرافی به امضای صدهای از این آقایان و صدها دیگر تری با همین مشورته است که رسید بود درج کردیم و به آنها کتیب دست کسی که ما را با آنچه مفاسد شخصی قرار داده اند قریباً کوتاه خواهیم شد و بگوئید بیترنگه که گفت های ما جانیه حل بر شد و سرحد با پندر بر کنار شد.

امضا کنندگان میکنند چرا من به سرحد با پندر و خاکسار توهین کرده ام و شهادت نامه امضا کرده اند که این دو جوان « ۱ » بر تضرع و در آخر تلگراف مرا دایه بر با هر از مادر خطاب نمودند و ولی هیچ فکر نکرده اند اگر دایه مهربانتر از مادر بودن جرم است خودشان چرا این مرد را مرتکب شده اند و از با پندر و خاکسار دفاع کرده اند مگر اینها خودشان آدم هستند مگر زبان ندارند مگر سواد ندارند که بنه و اما بر همه ایم و بنویسیم خود را و اگر اعتراض دارند خود اعتراض کنند مگر این دو عنصر ناپاب تم لازم دارند که آقای امام جمعه و دیگر با دیگران بر زمین برند.

آقای جمعه استعی و غیره مگر شما از واقعه جاف خبر ندارید مگر با صایع دیگر با پندر و کوهستان او را بنویسید با اینکه سبیل شارا جرب کرده و با از از ترس حبس و تهدید چه انکرا اهلان را امضا میکنند.

آقایان محترم که امضا میکنند اهلان را نیشاسم تا جواب بکلیه را بفرمایند حال و استه اعدان هم، شما گمان کرده اید با یک تلگراف بر سر سوت و تلاق گفتن به نایبته محسوب خود که هنوز اعتبار امضای از جاس نگذشت و نایبته ای اوتابیت ندهه میتواند برای با پندر بیچاره کاری بکنید با خاکسار و غیره را از سر نشیب در امان بگذارید و اگر شما خود این خیال کرده اید بخاطر رفته اید و اگر شما گفته اید چنین بکنید چه کردیم مگر در آنجا که گفته اند اقیانیه کرده اند.

دو همان کالفا و تلگراف باور زبانی که هر روز میرسد در روز قبل تلگرافی از سطر در انت هد که از لغات اطلاع و آگهی خواننده گان و مقاماتی که امضا کنندگان تلگراف خواستار بوده اند در دفاع خود توجه قرار گیرد ذیلا و ج و نظریات خود را هم باختصار واضح بچگونگی آن مینویسیم.

ایک تلگرافی :

آقای دکتر اسبیل اردلان معبر نامه هفتگی کوهستان، کیه تیسار و پاسه ستاد ارض کیه اطلاعات، کیه ستاره کیه جناب آقای محیط نایبته محترم سطر و پناه اظهارات سناجالی از طرف اهالی سطر و اهاض سرکار سرحد با پندر سر و ان خاکسار مطیفة از ساده و جدا و جداات خارج، برای اینکه ادهان مقامات مربوطه مخصوصا تیسار و پناه ستاد ارض مشوب مگردد اشاره بداریم که وحدان و هرافنا بیانات آقای دک اردلان بخلقت مرسوم نبوده تحت تاثیر اهاض که در امضا خوب منظره سطر و پناه را برای سوء استیفاء خود نالغ دانسته و مردانته ارا و گرفتارند. اگر اهالی سطر سگرانی و هکاتی داشته باخته بدون و اینه وسیله نایبته محترم شود کسانی اساق الام، کلهای اخق حل منی نایبته احتیاجی ندارد

دکتر اردلان آورد دایه مهربانتر از مادر و قسوی از نایبته امام جمعه استعی مطهری و شهید و کالی و صدها عنوان صالح سلطان پناه اسد و کبیر و صدها مطهری اوری سلیم و کبلی و دکتر سر کابل و جن بونلیان برادران هرنای ص ق استعی و صنته نصر ایی کلامی.

این بود تلگراف واصله و اسامی که در ذیل تلگراف نوشته شده بود حال اینها کی هستند « ۱ » از ارض اجناسی دارند آبا تلگراف ملینتا باضای این اهاض است با با از هم سر بر بر ر است کاری بیجو و رفتن کرده و خاکساری پول نکراف را داده نکات روشن و ساده است و آنهاییکه به وضیعت محیط آنها باخته خود کمالا واروده و خوب تضوت خواهند کرد.

اگر چه تلگراف ارض درج کردیم هاهه ولی برای اینکه آقایان و اساق آنها